

تساوی حجیت معرفتی قسم مدعی با بینه مدعی، اقرار منکر و یا استقلال ارزشی آن از منظر فقهی

محمد سجاد سوداگر^۱

در مسئله ارزش و اعتبار یمین مردوده و نتایج آن در باب قضاء، مطابق دیدگاه فقهاء سه پاسخ مطرح است. در نگاه فقها یمین مردوده می‌تواند به منزله اقرار منکر، بینه مدعی و یا دارای ارزشی مستقل باشد. با بررسی استظهارات، ادله و تحلیل نقد های وارده، دلیل «کالینه بودن یمین مردوده» نظر صحیح تلقی شده است. در این مقاله کوشش شده از این دیدگاه، با تکیه بر دیدگاه شیخ انصاری، دفاع شود. در نتیجه اولاً یمین مردوده هم ارز قسم منکر نیست و ثانیاً خود به مثابه یک دلیل مستقل بکار نمی‌رود و در نتیجه آثار و نتایج آن، مانند آثار و نتایج بینه مدعی است.

کلید واژه: یمین مردوده، یمین، بینه، اقرار، مدعی، منکر

^۱ طلبه پایه پنج حوزه علمیه امام خمینی (رحمه الله)

مقدمه

در مباحث فقهی، یکی از مهم ترین بخش ها، کتاب قضاوت می باشد. اهمیت این بخش از فقه از چند بعد قابل بررسی است؛ یکی روایات موضوع قضاوت که از حساسیت بالای احکام و مسائل این باب فقهی خبر می دهند. ثانیاً بسیاری از روایات باب قضا، روایاتی است که مورد استفاده هر دو گروه موافقین و مخالفین ولایت مطلقه فقیه است. ثالثاً، با توجه به گستره‌ی مباحث قضایی و درگیری زندگی روزمره مردم خصوصاً در حکومت های اسلامی، این باب فقهی از موثر ترین ابواب فقهی در زندگی روزانه و اجتماعی مردم به حساب می آید.

از مواردی که تمام فقهای شیعه بر آن اتفاق نظر دارند، حجیت اقرار منکر، بینه (که ابتدا از مدعی صادر میشود) و یمین (که ابتدا از منکر صادر میشود) است. البته از دیگر نتایج تحلیل روایات باب قضاوت این است که مورد دیگری از ادله قضاوت یمین مردوده است. در فرآیند حکم قاضی، ابتدا مدعی باید برای ادعای خویش بینه (شاهد) بیاورد. در صورت فقدان شاهد، منکر باید قسم بخورد و اگر منکر نکول کند، وظیفه قسم خوردن بر عهده مدعی می باشد. به قسمی که مدعی در هنگام نکول منکر اقامه می کند، یمین مردوده گفته می شود. کمبود روایات این مسئله فقهی، و اختلاف های متعدد مبانی فقها و اهتمام کمتر آنان نسبت به ابواب قضاء و شهادت در گذشته سبب مبهم بودن و خام بودن مباحث این مسئله شده است.

درباره آثار این مسئله، فقهای امامیه موارد زیادی را بیان کرده اند که در این مقدمه ما به چند مورد از آنها اشاره

می‌کنیم:

۱. اولین ثمره این است که آیا بعد از یمین مردوده منکر میتواند بینه بر خلاف قول مدعی اقامه کند یا خیر؟ بنابر اینکه یمین مردوده مانند بینه باشد بله؛ ولی اگر آنرا به منزله اقرار بگیریم بعد از یمین مردوده، منکر نمیتواند بینه ای اقامه کند و اگر ارزش مستقلی برای آن در نظر بگیریم باید به مقتضای قواعد کلی باب قضا عمل کنیم^۱

۲. ثمره بعدی بنابراین است که در ادله قضاوت حکم قاضی را شرط بدانیم. بر فرض قبول این نظر، جناب میرزای قمی (رحمه الله) در بیان می‌کنند که اگر یمین مردوده را به مثابه بینه بگیریم ناگزیر قبول می‌کنیم که حاکم باید یمین مردوده را تایید کند؛ در غیر اینصورت^۲ یمین مردوده به صرف قسم مدعی اثر بخش می‌شود.^۳

دو نتیجه‌ای که گذشت نتایج اصلی بود که برای مسئله در کتب فقهاء بیان شده است. برای رجوع به آثار بیشتر مسئله توصیه می‌شود به کتاب مفتاح الکرامه، ج ۱۰ ص ۷۷ و ۷۸ رجوع شود.

درباره روش تحقیق این مقاله لازم به ذکر است که تمرکز مقاله بر سه قول اصلی است که تقریباً تمام فقها ثبوتاً، این دیدگاه‌ها را مطرح کرده اند و سپس به نقد و بررسی هر یک پرداخته اند و در آخر، به نتیجه‌گیری خود رسیده‌اند؛ این سه دیدگاه عبارتند از:

^۱ گلپایگانی، محمد رضا، القضاء و الشهادات (گلپایگانی) ج ۱ ص ۲۸۶

^۲ یعنی صورتی که یمین مردوده مانند قسم منکر باشد

^۳ میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، ج ۲ ص ۶۴۸

۱. اینکه یمین مردوده در احکام و نتایج مانند بینه مدعی باشد.

۲. اینکه یمین مردوده در آثار مذکور به منزله اقرار منکر باشد.

۳. اینکه یمین مردوده دارای ارزش و اعتباری مستقل قائل باشد.

البته ثبوت دو قول اول متفرع بر مقدمه انحصار ادله قضاوت است. به همین دلیل در ابتدا ادله انحصار تحلیل میشود. لازم به ذکر است که اشکالات ادله انحصار در ذیل ادله نظر سوم مطرح می شود و برای اجتناب از طولانی شدن کلام از ذکر آنها به صورت جداگانه خودداری می کنیم.

همچنین درباره منابع، در این مقاله سعی شده که بیشتر به منابع معاصرین رجوع شود البته به دلیل خلاصه بودن ادله فقهای معاصر و برای روشن تر شدن تحلیل ها و اشکالات به کتب متاخرین و متقدمین هم استناد داده شده است؛ همچنین از بین کتب فقهایی که در باب قضا و شهادات دست به تالیفاتی زده اند، کتاب های مورد توجه قرار گرفته اند که به صورت تفصیلی به این بحث پرداخته اند.

لیست فقهایی که در این مقاله بر دیدگاه های آنان تمرکز شده است به شرح ذیل می باشد:

از فقهای معاصر: آیت الله سید صادق روحانی، آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله نجم آبادی، اسماعیل پور قمشاهی، آیت الله سبحانی، آیت الله مقتدایی، محقق عراقی، شیخ انصاری (با تکیه بر دو تقریر از درس قضا و شهادات ایشان توسط آیت الله آشتیانی و میرزای رشتی)

از فقهای متقدم تا زمان شیخ انصاری: ملا احمد نراقی، صاحب جواهر، مقدس اردبیلی، محقق سبزواری، جناب عاملی نجفی، میرزای قمی، محمد بن علی طباطبایی (فرزند صاحب ریاض)، صاحب ریاض المسائل، جناب اعرجی، جناب فیض کاشانی

فقهای متقدم قبل از دوره اخباری گری: محقق کرکی، شهید ثانی، شهید اول، جناب فخرالمحققین، علامه حلی.

دیدگاه انحصار قضاوت در بینه مدعی و یمین منکر (برای دو قول «کالاقرار بودن یمین

مردوده» یا «کالبینه بودن یمین مردوده»)

فقهایی که دیدگاه «کالبینه بودن یمین مردوده» و یا دیدگاه «کالاقرار بودن یمین مردوده» را قبول دارند این مقدمه را پیشفرض می گیرند که ادله قضاوت منحصر در بینه مدعی و قسم منکر است. در ادامه به بررسی دیدگاه انحصار و ادله آن در این مقاله می پردازیم. البته اشکالاتی به انحصار و ادله آن مطرح می شود که در بحث تحلیل نظر «استقلال ارزش یمین مردوده» گفته می شود. ادله ای مطرح شده درباره دیدگاه «انحصار ادله قضاوت در بینه مدعی و یمین منکر» به شرح ذیل می باشد^۱:

روایت البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر

اولین مستند فقهایی که دیدگاه «انحصار ادله» را می پذیرند حدیثی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند و متن روایت در کتب فقهی اینگونه بیان شده است:

۱ در این مقاله به اختصار به این دیدگاه، دیدگاه «انحصار ادله» گفته می شود.

« الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ »

اولین استدلال استدلالی است که آیت الله نجم آبادی آن را تقریر کرده اند. مضمون استدلال این است که الف و لامی که بر سر دو کلمه «بینه» و «یمین» آمده است یا الف و لام استغراق افراد است و یا الف و لام جنس. در هر دو صورت، نتیجه روایت این است که ادله قضاوت برای قاضی محدود به بینه مدعی و یمین منکر می شود.

بررسی نحوه دلالت الف و لام بر انحصار و ثمره آن

بنابر مبنای اصولی آیت الله نجم آبادی الف و لام اگر الف و لام جنس باشد دلالت آن بر انحصار بر اساس قرینه حکمت می باشد. نتیجه اطلاق مقامی این است که سنخ حکم حجیت معرفتی دلیل در محکمه، نسبت به سایر ادله ساقط می شود. البته اگر الف و لام، الف و لام استغراق افراد باشد، عمومیت و استغراق برای آنها وضع شده است. در نتیجه، معنای وضعی الف و لام دلالت بر انحصار ادله قضاوت در بینه مدعی و یمین منکر می کند.

«من جهة تعريف المسند إليه، فإنَّ «اللام» فيه إما للجنس أو للاستغراق، وعلى التقديرين يفيد انحصار كلَّ بَيِّنَةٍ فرضت واجتماع جميع أفرادها في المدَّعي وانحصار كلَّ يَمِينٍ كذلك في المنكر، ولأزم الحصرين عدم ثبوت شيء من البَيِّنَةِ للمنكر وعدم ثبوت شيء من اليمين للمدَّعي. والغرض من انحصارهما فيهما وثبوتهما لهما، انتفاعهما بهما وإثبات مقصودهما ومدَّعاهما من النفي والإثبات بهما، بمعنى أنَّهما يطالبان بهما إحقاقاً لحقَّهما. والحصر على الأوَّل إطلاقيٌّ ناشئ عن دليل الحكمة، وعلى الثاني وضعيٌّ»

^۱ نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۶۸، ح ۲۱۶۰۱

^۲ نجم آبادی، محمد بن ابراهیم، لقضاء (نجم آبادی)، جلد: ۲، صفحه: ۹۵

ثمره بحث در جایی مشخص می‌شود که دلیل معارض این نظر به دست آید. در صورتی که الف و لام را، الف و لام جنس در نظر بگیریم با توجه به اینکه اطلاق از قرینه حکمت فهمیده می‌شود موضوع قرینه حکمت به سبب دلیل معارض منتفی می‌شود. ولی اگر الف و لام، الف و لام استغراق باشد نظر به اینکه استغراق و عمومیت، موضوع له الف و لام است، با پیدا شدن دلیل معارض باید سنداً و دلالتاً هر دو دلیل بررسی شود و بنابر مبانی باب تعارض در اصول فقه معارضه دو روایت حل شود.

پس بر اساس این روایت ادله صادره از مدعی منحصر در بینه و ادله صادره از منکر منحصر در یمین می‌باشد.

در کتاب القضاء (رشتی) نیز این دلیل به صورت ذیل تقریر شده است:

"فيمكن أن يستدل عليه بعموم «البينة على المدعى و اليمين على من أنكر»^۱، فإنه يقضى بالانحصار على البيان الذى مر فى بعض الالتقاطات السابقة. و حاصله ان الحكم بجنس البينة على جنس المدعى فى مثل المقام يفيد أن كل بينة على المدعى و كل مدعى عليه البينة، فإذا ثبت أن یمین المدعى هنا تثبت حقه على المنكر، فلا بد أن يكون یمينه اما بمنزلة البينة فى الحكم حتى لا يلزم تخصيص فى العالم المزبور أو تكون بمنزلة البينة إقرار المنكر الذى يرتفع به أصل الخصومة."^۲

روایت «انما اقضى بينكم بالبينات و الايمان»

^۱ الوسائل ج ۱۸ ب ۳ من أبواب كيفية الحكم ح ۱.

^۲ رشتی، حبيب الله بن محمد على. محقق احمد حسینی اشکوری. ، کتاب القضاء (رشتی)، صفحه: ۲۱۲

یکی دیگر از روایاتی که تکیه گاه دیدگاه «انحصار ادله» می باشد، روایتی از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

است که بر اساس نظر آیت الله نجم آبادی از روایات مستفیض است.^۱ متن روایت به شرح ذیل است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا أَقْضَى بَيْنَكُمْ بِالْيَمَانِ وَالْإِيمَانِ»^۲

البته که با توجه به کلمه انما حصرت از این کاملاً فهمیده میشود ولی آنچه ممکن است اشکالی به انحصار وارد کند اطلاق «ایمان» است. به بیان دیگر امام صادق (علیه السلام) قسم خاصی را معین نکرده اند. در نتیجه، لفظ مطلق «ایمان» قابلیت دلالت بر یمین منکر و یمین مردوده را همزمان داراست. با اثبات این اشکال، دیگر نمی توان از انحصار روایت برای اثبات دیدگاه «انحصار ادله» استفاده کرد.

بررسی ریشه اصولی بحث

البته اثبات اشکال مبتنی بر این است که فقیه در بحث موضوع له لفظ مطلق چه مبنایی را اتخاذ کند. اگر کسی در علم اصول فقه قائل به این باشد که موضوع له لفظ مطلق اطلاق لا بشرط قسمی است. در اینصورت با دلالت وضعی لفظ اطلاق ثابت می شود بنابراین با پذیرش این مبنا دیدگاه «انحصار ادله» رد می شود زیرا لفظ مطلق «ایمان» شامل هر دو یمین مردوده و یمین منکر می شود.

^۱ نجم آبادی، محمد بن ابراهیم، لقضاء (نجم آبادی)، جلد: ۲، صفحه: ۱۸۵

^۲ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۳۲

البته مبنای دیگری در علم اصول است که بر اساس آن اطلاق، موضوع له لفظ مطلق نیست بلکه فقیه با جریان قرینه حکمت اطلاق را ثابت می‌کند. بر اساس این دیدگاه انصراف یا تبادر عرفی از لفظ می‌تواند اطلاق را منتفی کند. آیت الله نجم آبادی بر اساس همین دیدگاه به تبادر عرفی استناد می‌کند و اطلاق این روایت را مقید می‌کند.

پس بر اساس دیدگاه آیت الله نجم آبادی بنابر تبادر عرفی، «ایمان» بر یمین منکر حمل میشود:

«ومنها: قوله عليه السلام: «إنما أفضى بينكم باليّنات والأيمان» بناءً على ما يتبادر منه من أنّ المراد بالأيمان أيمان المنكرين.»^۱

پاسخ اشکال فقها به اطلاق روایت

برخی فقها اشکال کرده اند که می‌توان اطلاق روایت را اعم از یمین منکر و یمین مدعی دانست.^۲ پاسخ اشکال این است روایت «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي وَ الْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ» قرینه‌ای است که اطلاق در مراد جدی معصوم نبوده است.

روایت احکام المسلمین علی ثلاثة: بیّنهُ عادلُهُ ویمین قاطعُهُ وسنّه ماضیه عن أئمة الهدی»

آیت الله نجم آبادی سومین دلیل را روایتی با متن ذیل بیان می‌دارند:

^۱ نجم آبادی، محمد بن ابراهیم، لقضاء (نجم آبادی)، جلد: ۲، صفحه: ۱۸۵

^۲ مقتدایی، مرتضی، مفتاح الهدایة فی شرح تحریر الوسیلة، ص ۳۱۵

"أَحْكَامُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى ثَلَاثَةِ شَهَادَةٍ عَادِلَةٍ أَوْ يَمِينٍ قَاطِعَةٍ أَوْ سُنَّةٍ مَاضِيَةٍ مِنْ أُمَّةٍ أَلْهَدَىٰ"

دلالت جمله بر انحصار ادله واضح است. همچنین بحث هایی که درباره لفظ «یمین» در روایت قبلی انجام شد در این روایت هم وارد است.

در نتیجه، ثمره بحث درباره دیدگاه «انحصار ادله» همان چیزی است که شیخ انصاری به آن اشاره می کند:

«فحينئذ إن جعلناها بمنزلة البينة أو الإقرار لما رفعنا اليد عن مقتضى الأدلة، وإلا فيلزم عدم الأخذ بمقتضى الأدلة من غير ما يقتضى ذلك²».

بررسی دیدگاه تساوی اعتبار معرفتی یمین مردوده با بینه مدعی

با قبول دیدگاه «انحصار ادله در بینه مدعی و یمین منکر»، دو احتمال برای ارزش معرفتی یمین مردوده مطرح می شود. اولین احتمال این است که ارزش یمین مردوده در بحث قضایی برابر با بینه ای باشد که از طرف مدعی در دادگاه اقامه می شود. برای این نظر فقها دو دلیل اقامه کرده اند:

۱. صدور یمین مردوده از مدعی

¹ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اسلامیه) ج ۷ ص ۴۳۲ ح ۲۰

² آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، کتاب القضاء (آشتیانی) جلد ۱ ص ۳۲۴

دلیل اول برای اثبات این دیدگاه این است که یمین مردوده دلیلی است که از طرف مدعی اقامه می‌شود. همچنین بر اساس روایت «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعَى وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ» وظیفه‌ای که در دادگاه بر عهده مدعی است بینه است. در نتیجه، یمین مردوده به سبب اینکه از طرف مدعی اقامه می‌شود به منزله بینه مدعی می‌باشد.

جناب محقق کرکی درباره این نظر میفرماید:

«نعم هي بالنسبة إلى المدعى عليه كالبينة، فباليمين، تثبت كون العين للحالف بالنسبة إلى المدعى عليه خاصة»^۱

جناب نجم آبادی نیز در کتاب القضاء خود میفرماید:

«أما دليلنا المعنوي، فهو أن اليمين مردودة إذا لوحظت في حد نفسها فهي مثبتة لحق المدعى، بمعنى أن المدعى يخبر عن حقيقة واستحقاقه مؤكداً لقوله باليمين، وقوله في حد نفسه إخبار عن الواقع ومرآة له كقول الشاهد والراوى»^۲

شهید اول نیز برای تقویت این قول در کتاب دروس میفرماید:

«ووجه الثاني أنها حجة صادرة من المدعى مع جحد المدعى عليه»^۳

تقریر جناب رشتی از این استدلال به این صورت است که «ال» در کلمه «البینه» دلالت بر این دارد که جنس بینه بر عهده مدعی است پس هر دلیلی که از جانب مدعی اقامه شود هم ارز بینه است:

^۱ محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد: ۶، صفحه: ۵۳،

^۲ نجم آبادی، محمد بن ابراهیم، القضاء (نجم آبادی)، جلد: ۲، صفحه: ۱۹۷،

^۳ شهید اول، محمد بن مکی، موسوعه الشهید الاول، جلد: ۱۵، صفحه: ۱۸۸،

«فيمكن أن يستدل عليه بعموم «البينة على المدعى و اليمين على من أنكر»، فإنه يقضى بالانحصار على البيان الذى مر فى بعض الالتقاطات السابقة. و حاصله ان الحكم بجنس البينة على جنس المدعى فى مثل المقام يفيد أن كل بينة على المدعى و كل مدعى عليه البينة، فإذا ثبت أن يمين المدعى هنا تثبت حقه على المنكر، فلا بد أن يكون يمينه اما بمنزلة البينة فى الحكم حتى لا يلزم تخصيص فى العالم المزبور...»^۱

نقد و بررسی دلیل

اشکالی که به این روایت می شود این است که متن روایت دلالت بر این نمی کند که تنها وظیفه مدعى بينه، و منکر يمين است. بلکه مدلول روایت دقیقاً بر خلاف آن است. يعنى روایت وظیفه مدعى و منکر را منحصر در بينه و يمين نمی کند بلکه بر خلاف آن، يمين حجت را منحصر در منکر و بينه حجت را منحصر در مدعى می کند. بنابراین روایت دلالتی بر مدعا دیدگاه ندارد.

۲. نفی نظریه «تساوی معرفتی يمين مردوده با اقرار منکر»

استدلال دوم که از طرف شيخ اعظم مطرح شده است به شرح ذیل می باشد:

بر اساس دیدگاه انحصار، تنها دو احتمال برای ارزش معرفتی يمين مردوده وجود دارد. در این حالت، وقتی یکی از طرفین منتفی شود لزوماً طرف دیگر اثبات می شود. شيخ انصاری با تقریر يك دليل نظر دیگر (تساوی يمين مردوده

۱ رشتی، حبيب الله بن محمد على، كتاب القضاء (رشتی)

با اقرار منکر) را رد می‌کند. طرح اشکال به این صورت است که اقرار منکر اساساً موضوع^۱ دعوا را منتفی می‌کند در نتیجه نمی‌توان از آن به عنوان یکی از ادله رفع دعوا استفاده کرد. پس نظر مخالف (تساوی یمین مردوده با یمین مدعی) اثبات می‌شود.

"أما عدم لزوم رفع اليد عنها على تقدير جعلها كالبيّنة فظاهر. و أما عدم لزوم ذلك على تقدير جعلها كالإقرار فمن جهة أن مقتضى الروايات أن ميزان الفصل منحصر فيما ذكر، و الإقرار ليس ميزاناً للفصل بل المقر بنفس إقراره يرفع الخصومة بالإقرار رافع لموضوع تلك الأخبار"^۲

۳. بررسی روایت فضیل بن یسار^۳

دلیل سوم برای اثبات دیدگاه «تساوی یمین مردوده با یمین» روایتی است که در کتاب تهذیب شیخ طوسی وارد شده است.

بحث سندی روایت

سند روایت فضیل بن یسار در کتاب تهذیب شیخ طوسی بدین شرح آمده است:

۱ موضوع در مصطلح اصولی

۲ آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، کتاب القضاء (آشتیانی)، ج ۱ ص ۳۲۴

۳ استدلال به این روایت از نظرات و تحلیلات مصنف مقاله است و در کتاب دیگری دیده نشده است.

« بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع^۲ »

بحثی که درباره سند روایت وجود دارد این است که محمد بن مروان، یعنی راوی روایت از فضیل بن یسار، فردی مجهول است.^۳ در مواجهه با کتاب تهذیب فقها ۲ دیدگاه را اختیار کرده‌اند: اولین دیدگاه این است که تمام روایاتی که در این کتاب جمع شده حجت هستند و نیازی به تحلیل سندی حول این روایات نیست (مانند آیت الله صادق آملی لاریجانی^۴). در صورت قبول این دیدگاه، مجهول بودن محمد بن مروان خدش‌های به حجیت روایت وارد نمی‌کند. دیدگاه دومی که در مواجهه با کتب اربعه و کتاب تهذیب مطرح شده این است که روایات این کتاب مانند هر کتاب دیگری لازم است که از جهت سندی بررسی شود. در نگاه فقهایی که این دیدگاه را پذیرفته‌اند به دلیل مجهول بودن محمد بن مروان این روایت از حجیت ساقط می‌شود.

بررسی دلالت روایت بر دیدگاه مورد نظر

متن روایت مذکور در کتاب تهذیب به شرح ذیل می‌باشد:

۱ شیخ طوسی

۲ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۹ ص ۱۶۹

۳ بر اساس نرم افزار نور درایه

۴ جلسه ۲۲۷ درس خارج فقه باب وقف، مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

« قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي رَجُلٍ مَاتَ وَتَرَكَ امْرَأَتَهُ وَعَصَبَتَهُ وَتَرَكَ أَلْفَ دِرْهَمٍ فَأَقَامَتِ الْمَرْأَةُ الْبَيْتَةَ عَلَى خَمْسِمِائَةٍ دِرْهَمٍ فَأَخَذَتْهَا وَأَخَذَتْ مِيرَاثَهَا ثُمَّ إِنَّ رَجُلًا ادَّعَى عَلَيْهِ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ بَيْنَهُ فَأَقَرَّتْ لَهُ الْمَرْأَةُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَرَّتْ بِذَهَابِ ثُلُثِ مَالِهَا وَ لَا مِيرَاثَ لَهَا تَأْخُذُ الْمَرْأَةُ ثُلْثِي الْخَمْسِمِائَةِ وَ تَرُدُّ عَلَيْهِ مَا بَقِيَ لِأَنَّ إِقْرَارَهَا عَلَى نَفْسِهَا بِمَنْزِلَةِ الْبَيْتَةِ^۱. »

آنچه از روایت برای استدلال به نظر مذکور مورد توجه جمله آخر روایت است که امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: لَأَنَّ إِقْرَارَهَا عَلَى نَفْسِهَا بِمَنْزِلَةِ الْبَيْتَةِ. تحلیل این جمله این است که خود اقرار از جهت اعتبار معرفتی در مباحث کتاب قضاء هم ارزشی می‌باشد. در نتیجه دوگانگی بین دو دیدگاه «تساوی یمین مردوده با بینه مدعی» و «تساوی یمین مردوده با اقرار منکر» ایجاد نمی‌شود. بر این اساس اگر کسی دیدگاه «انحصار ادله» را بپذیرد ناچار است که نظر «تساوی یمین مردوده با بینه مدعی» را هم قبول کند.

اشکال به روایت فضیل بن یسار

اشکالی که به روایت فضیل بن یسار وارد این است مراد جدی روایت این نیست که اقرار در احکام و نتایج به منزله اقرار است زیرا که تفاوت آثار اقرار و بینه از واضحات فقه امامیه است. بلکه مراد جدی روایت این است که اقرار نیازی به بینه و جعل حجیت برای آن ندارد.

بررسی دیدگاه تساوی اعتبار معرفتی یمین مردوده با اقرار منکر

با قبول انحصار به غیر از فرض کالبینه بودن یمین مردوده این فرض هم مطرح شده است که یمین مردوده در احکام و اعتبار مانند اقرار منکر باشد. در ادامه به ادله این نظر می‌پردازیم.

^۱ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۹ ص ۱۶۹

رضایت منکر به عدم نجاج در دعوی

اولین استدلالی که برای دفاع از این دیدگاه مطرح می‌شود این استدلالی است که جناب فیض کاشانی در یکی از حاشیه‌هایشان بر یکی از روایات کتاب الوافی تقریر کرده‌اند: مضمون استدلال این است که منکر با خودداری از خوردن قسم به محکوم شدن رضایت داده است:

«و أغلب الاحتمال أن المدعی علیه هو الذی رضی بحلف المدعی و جلب الضرر علی نفسه بفعله فكأنه أقرّ معلقاً و بنی حکم القاضی أيضاً علی رضا المدعی علیه بضرر نفسه فمن هذه الجهة هی بمنزلة الإقرار»^۱

جناب فخرالمحققین هم علیرغم اینکه این دیدگاه را نمی‌پذیرند ولی آنرا به عنوان یکی از توجیه‌های این دیدگاه مطرح می‌کنند:

«... (و من) حیث ان بنکول المدعی علیه توصل المدعی الی الحق فحجّه یمین المدعی فی إثبات الحق سببها المنکر لفعله فکان کإقراره»^۲

شهید ثانی نیز علیرغم عدم قبول این رای این وجه را برای توجیه این نظر بیان کرده‌اند:

«و الثانی: أنه کإقرار المنکر، لأن الوصول إلى الحق جاء من قبل ردّه أو نکوله»^۳.

^۱ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی ج ۱۵ ص ۱۱۰۹

^۲ فخرالمحققین، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ج ۴ ص ۳۵۵

^۳ شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۳ ص ۴۵۱

نقد و بررسی دلیل

اشکال وارد بر این تقریر استدلالی است که شهید ثانی (رحمه الله) در کتاب الروضة البهية آورده اند.^۱ شهید ثانی می‌فرماید که به سبب نهی های فراوانی که از قسم قسم خوردن^۲ ولو قسم به حق داریم نمی‌توان از نکول فرد اقرار و اعتراف به شکست را نتیجه گرفت. زیرا این احتمال هم وجود دارد که فرد برای امثال اوامر شرع قسم نمی‌خورد. بنابر این، این دلیل نیز فاقد حجیت است.

انحصار حق قسم در منکر

دومین دلیل برای توجیه این دیدگاه دلیلی است که جناب اعرجی ذکر کرده‌اند: با توجه به روایاتی که در بحث «انحصار ادله» بیان شد، وظیفه منکر محدود به قسم است. در نتیجه منکر با نکول حق یمین خویش را به مدعی اعطا کرده و زمانی که مدعی یمین مردوده را اقامه می‌کند در حقیقت از طرف منکر بر ضد منکر اقامه قسم می‌کند بنابراین منکر با نکول بر ضد خودش اقرار کرده است.

بیان جناب اعرجی به این صورت است:

^۱ لَأَنَّ إِفْرَارَهَا عَلَى نَفْسِهَا بِمَنْزِلَةِ الْبَيْتَةِ

شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهية فی شرح اللعنة الدمشقية، ج ۳ ص ۲۳۴

^۲ ر.ک وسائل الشیعة، کتاب الایمان، باب اول

"و من انّ حکم یمین المدعی مقصور علی المدعی علیه لا غیر فکان کالإقرار"^۱

این استدلال از جهتی بسیار شبیه به استدلال گذشته است ولی وجه تفاوت ۲ استدلال این است که بر اساس کلمات فقها، در استدلال پیشین تکیه بر این بود که منکر با نکول خویش ضرر شکست در دعوی را عامدانه و با علم به احکام قبول کرده است در حالی که در این استدلال بر بحث حقوقی یمین تاکید شده است.

نقد و بررسی دلیل

جناب محقق عراقی (قدس سره) در شرح تبصرة المتعلمین اشکالی به این نظریه وارد میکنند که به نظر مصنف مقاله ناظر به این استدلال میباشد. اشکال محقق عراقی این است که بر اساس استدلال طرفداران این دیدگاه، منکر حق خود را به مدعی تفویض می کند و در نتیجه وقتی مدعی بر ضد منکر اقامه یمین می کند در حکم این است که منکر بر ضد خودش اقامه یمین کرده است. جناب محقق عراقی -البته ناظر به تفاوت حکمی بین اقرار و یمین - بیان دارند که لازمه این استدلال این است که حق یمین منکر به مدعی تفویض شود و قسم مدعی احکام و آثار یمین منکر را داشته باشد در حالی که بر اساس نتیجه دیدگاه، حق اقرار به مدعی اعطا شده است و این خلاف فرض است:

«...مع ان لازم ما أفید، کون رده إقرارا لا یمینه...»^۲

^۱ اعرجی، عبدالمطلب بن محمد، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد ج ۳ ص ۵۰۶

^۲ عراقی، ضیاء الدین. شرح تبصرة المتعلمین (القضاء) صفحه: ۸۹

اشکال به دیدگاه از حیث ماهیت اقرار

اشکال دیگری به این دیدگاه وارد است ناظر به ماهیت اقرار است. این اشکال را جناب شیخ انصاری (رحمه الله) در تقریرات استاد آشتیانی اینگونه بیان کرده اند که اقرار دلیل برای رفع خصومت نیست بلکه اساساً موضوع خصومت را از بین می‌برد در نتیجه نمی‌توان آن را هم ارز ادله دیگر همچون بینه مدعی و یمین منکر قرار داد:

«أما عدم لزوم ذلك على تقدير جعلها كالأقرار فمن جهة أن مقتضى الروايات أن ميزان الفصل منحصر فيما ذكر، و الإقرار ليس ميزاناً للفصل بل المقر بنفس إقراره يرفع الخصومة فالإقرار رافع لموضوع تلك الأخبار»^۱

دیدگاه استقلال اعتبار معرفتی یمین مردوده

تحلیل نظر استقلال اعتبار معرفتی یمین مردوده

نظری که بیشتر فقهای امامیه آنرا پذیرفته‌اند این است که ارزش قسم مدعی اعتباری مستقل دارد و در نتایج و احکام نه به منزله اقرار منکر است و نه به منزله بینه مدعی.

جناب صاحب جواهر بعد از ذکر ادله بیان می‌کند:

«و من هنا اتجه جعلها قسماً مستقلاً برأسه»^۲

^۱ آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، کتاب القضاء (آشتیانی) ج ۱ ص ۳۲۴

^۲ صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام (ط. القدیمة)، جلد: ۴۰، صفحه: ۱۷۸،

همچنین در کتاب مستند الشيعة آمده است که:

«و الحقّ - كما ذكره المحقّق الأردبیلی و صاحب الكفاية و والدى العلامة في المعتمد - عدم مستند مقبول يصحّ الاتكاء عليه لشيء من القولين^١، و اللازم إرجاع كلّ فرع فرع إلى الأصول و القواعد و اعتبار الأدلّة فيها.»^٢

شیخ حر عاملی نیز در کتاب شریف مفتاح الكرامة می فرماید:

«و الحقّ) أنه حکم برأسه»^٣

از دیگر فقهای که همین نظر را اختیار کرده اند میتوان به: آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی^٤، میرزای قمی^٥، صاحب ریاض المسائل^٦، آقا ضیاء عراقی^٧، آیت الله سید محمد صادق روحانی^٨، مقدس اردبیلی^٩ و آیت الله سبحانی^{١٠} اشاره کرد.

^١ تساوی با اقرار منکر / تساوی با بینه مدعی

^٢ نراقی، احمد بن محمد مهدی.، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، جلد: ١٧، صفحه: ٢٢٤، ١٤١٥ ه.ق

^٣ حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط. القديمة)، جلد: ١٠، صفحه: ٧٧

^٤ گلپایگانی، محمد رضا. القضاء و الشهادات (گلپایگانی)، جلد: ١، صفحه: ٢٨٦، ١٤٢٦ ه.ق.

^٥ میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. رسائل الميرزا القمي، جلد: ٢، صفحه: ٦٤٨-٦٥٠، ١٣٨٥ ه.ش.

^٦ طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل (ط. القديمة)، جلد: ٢، صفحه: ٣٩٩، ١٤٠٤ ه.ق.

^٧ عراقی، ضیاء الدین.، شرح تبصرة المتعلمين (القضاء) (شرح تبصرة المتعلمين (القضاء))، صفحه: ٨٩

^٨ روحانی، محمد صادق.، فقه الصادق، جلد: ٣٨، صفحه: ١٨٣

^٩ مقدس اردبیلی، احمد بن محمد.، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، جلد: ١٢، صفحه: ١٣٩

^{١٠} سبحانی تبریزی، جعفر، نظام القضاء و الشهادة في الشريعة الإسلامية الغراء، جلد: ١، صفحه: ٣٩٥، ١٤١٨ ه.ق.، م

دلیل اول: عدم انحصار ادله قضاوت در بینه مدعی و اقرار منکر

دلیل اولی که فقها برای توجیه دیدگاه «استقلال ارزش یمین مردوده» مطرح کرده‌اند رد دیدگاه «انحصار ادله» است. فقهای قائل به ۲ دیدگاه «تساوی یمین مردوده با بینه مدعی» و دیدگاه «تساوی یمین مردوده با یمین منکر» در ابتدا این نظر را پذیرفتند که ادله قضاوت خارج از بینه مدعی و یمین منکر نمی‌تواند باشد.^۱ پس وقتی دلیل جدیدی مانند یمین مدعی مطرح می‌شود باید در اعتبار، احکام و آثار به منزله یکی از این ۲ باشد. برای رد این مقدمه فقها به ۲ دلیل تمسک کرده‌اند:

عدم انحصار روایت انما اقضی بینکم بالبینات و الایمان

اشکال اول به روایت (حمل حصر روایت بر غید غالب)

جناب آیت الله مقتدایی میفرماید که یکی از ادله دو دیدگاه مردود (منزله اقرار یا بینه) روایتی از رسول اکرم (ص) است که حضرت می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَقْضَى بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْإِيمَانِ وَبَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ»^۲

ایشان اینگونه روایت را توجیه می‌کنند که حصر در روایت، عموم اغلیت است:

«وفیه: أنه تقدّم أنّ الحصر هنا إضافی بلحاظ الأغلب، وإلا یصحّ القضاء بالعلم والإقرار أيضاً»^۳

^۱ در کتب فقهی این مسئله تحت عنوان "الیمین المردوده هل هی کالبینه أو کالإقرار؟". در خود این سوال پیشفرض گرفته شده که یمین مردوده به منزله‌ی یکی از این ۲ میتواند باشد و لا غیر.

^۲ همان، ص ۲۳۲

^۳ مقتدایی، مرتضی، مفتاح الهدایه فی شرح تحریر الوسیله، ص ۳۱۵

به این معنا که در اکثر مواقع قاضی با استناد به یکی از این دو اماره حکم می‌کند البته در غیر اینصورت حاکم می‌تواند بر اساس اقرار خود منکر و یا علم خویش حکم کند پس ادله انحصار شرعی در یکی از ایندو مورد ندارد.

بررسی و نقد اشکال

پاسخ اشکال این است که حمل لفظ مطلق یا عام بر معنای تغلیب خلاف اصل است و نیاز به دلیل دارد. البته برای اثبات عدم انحصار می‌توان از علم قاضی استفاده کرد ولی به همین تمسک هم نقدی وارد است که خود این روایت دلیل عدم حجیت علم قاضی است در نتیجه استفاده از علم قاضی برای اثبات عدم انحصار مغالطه مصادره به مطلوب است.

دومین توجیه برای خارج کردن معنای روایت از انحصار طبق بیان اشکال، تمسک به اقرار منکر است. پاسخ این اشکال، همان پاسخی است که جناب شیخ انصاری مطرح کردند: اقرار دلیل برای رفع خصومت نیست بلکه رافع موضوع آن است بنابراین حجیت اقرار در نزد قاضی خدش‌های به انحصار روایت وارد نمی‌کند.

اشکال دوم به روایت (مشمول شدن یمین مردوده ذیل لفظ مطلق یمین)

اشکال بعدی به روایت این است که لفظ «یمین» در روایت اطلاق دارد و همین اطلاق سبب این می‌شود که یمین مردوده هم شامل این لفظ شود در نتیجه نمی‌توان انحصار ادله در بین مدعی و یمین منکر را ثابت کرد.

"مضافاً إلى أن ظهور الأيمان في الرواية في يمين المنكر ممنوع، بل المراد مطلق اليمين كما في اليمين مع الشاهد الواحد وغيره، فيشمل اليمين المردودة أيضاً".^١

آيت الله سبحانی نیز مشابه همین تقریر را از این اشکال دارند:

"فقول إن الرواية محمولة على الغالب بشهادة أنه يصح القضاء بيمين المدعى في موارد لا يعلم إلا من قبل المدعى أو كان المدعى أجيراً، أو أميناً كالمستودع إذا ادعى التلف".^٢

آيت الله گلپایگانی نیز در کتاب خود به این نکته اشاره دارند:

"وليس طريق إثبات الحق منحصرًا بالبينه والإقرار بل هي ثلاثة طرق: البينه والإقرار واليمين المردودة".^٣

جناب صاحب جواهر نیز میفرماید:

"و فيه - بعد وضوح الضعف لما سمعته من دليلها - أن ذلك فرع ما يقتضى انحصار حق المدعى بأحدهما لا غير، و هو ممنوع"^٤

سخن صاحب جواهر و آیت الله گلپایگانی هر دو اشاره به همین دیدگاه دارد که یمین مردوده خود از ادله قضاوت به شمار می رود و لزومی وجود ندارد تا در آثار و نتایج تابع دلیل دیگری باشد.

مشابه همین تقریرات از این اشکال را آیت الله پورقمشه‌ای^٥ را در کتاب خویش دارند.

^١ همان

^٢ سبحانی تبریزی، جعفر، نظام القضاء و الشهادة في الشريعة الإسلامية الغراء، جلد: ١، صفحه: ٣٩٥

^٣ گلپایگانی، محمد رضا، القضاء و الشهادات (گلپایگانی)، ص ٢٨٦

^٤ نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، جلد: ٤٠، صفحه: ١٧٩

^٥ و التحقيق كما هو مختار صاحب الجواهر هو كون اليمين مردودة شيئاً مستقلاً فانه لا داعي لنا في انحصار طريق إثبات الحقّ اما بالبينه او بالإقرار بل ظاهر الدليل الدال على ذلك و هو النصوص هو ان اليمين المردودة احد طرق إثبات الحق فلا ثباته طرق ثلاثة بينه المدعى و يمين المنكر و اليمين المردودة بل اربعة باضافة نكول المنكر أيضا إليها او خمسة باضافة إقرار المقر.

اسماعيل پورقمشه‌ای، محمد علی، البراهين الواضحات، ج ١، ص: ٣٤٣

پاسخ اشکال دوم به روایت انما افضی بینکم بالبینات و الایمان

پاسخ اشکال این است که این روایت بر فرض اینکه اطلاق را نرساند، به قرینه روایات الْبَيِّنَةُ عَلَيَّ مِنْ ادْعَى وَالْيَمِينُ عَلَيَّ مِنْ ادْعَى عَلَيْهِ انحصار بینه برای مدعی و انحصار یمین برای منکر ثابت می‌شود.

اشکال محقق عراقی: عدم انحصار عموم روایات البینه علی من ادعی و الیمین علی من انکر

محقق عراقی^۱ و برخی فقهای دیگر اشکالی را مطرح می‌کنند که جریان قاعده اصالت عموم در روایات باب ۳ از ابواب کیفیت الحکم و احکام الدعوی (وسائل الشیعه^۲ مانند روایت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبَيِّنَةُ عَلَيَّ مِنْ ادْعَى وَالْيَمِينُ عَلَيَّ مِنْ ادْعَى عَلَيْهِ.) ثابت نیست زیرا با باقرائن دیگر می‌دانیم که گاهی منکر باید بینه بیاورد و مدعی باید اقامه یمین کند. در نتیجه وجود این قرینه موضوع اطلاق منتفی می‌شود.

نقد و بررسی اشکال محقق عراقی

^۱ عراقی، آقا ضیاء، شرح تبصرة المتعلمين، ص ۸۹

^۲ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۷، ص ۲۳۳

پاسخ اشکال محقق عراقی این است که در بحث قضاوت گاهی از ادله‌ای استفاده می‌شود که خارج قاعده است مانند قرعه. قرعه دلیل قضاوت نیست بلکه وسیله‌ایست که در مواقع تحیر بدان تمسک می‌شود تا قاضی از تحیر خارج شود. یمین مدعی و ینه منکر نیز بر اساس اصول حجیتی ندارند بلکه حجیت آنها از جهت جعل شده است که کارگشای قاضی در مواقع تحیر باشند. در نتیجه ادله دیگری که محقق عراقی به آن‌ها اشاره کرد ناظر به شرایط عادی نیستند و در شرایط عادی اطلاق روایت ثابت است.

عدم وجود دلیل بر هر یک از ۲ قول

دلیل دیگری که دیدگاه ارزش مستقل یمین مردوده را تایید می‌کند این است که هر برخورد فقه با هر یک از ادله وارده در قضاوت باید بر اساس اصول و قواعد این باب فقهی باشد؛ در صورتی که اعتبار معرفتی خاصی برای دلیل ادعا شود، برای اثبات آن نیاز به دلیل داریم. فقهای که دیدگاه ارزش مستقل را قبول دارند اشکالی را مطرح می‌کنند که هیچ یک از ادله مطرح شده صلاحیت این را ندارد که ارزش و اعتبار خلاف مقتضای اصول و قواعد برای یمین مردوده اعتبار کند.

در کتاب القضاء و الشهادات (گلیپایگانی) آمده است:

«ما ذکره فی وجه القولین ضعیف»^۱

صاحب جواهر نیز مشابه همین تقریر را دارند:

^۱ گلیپایگانی، محمد رضا، القضاء و الشهادات (گلیپایگانی)، جلد: ۱، صفحه: ۲۸۶

«و فيه - بعد وضوح الضعف لما سمعته من دليلها...»^۱

میرزای قمی نیز به همین دلیل تمسک می جوید:

«و كلا الوجهين ضعيفان، و إن كان الأول^۲ أضعف»^۳.

آیت الله روحانی نیز در فقه الصادق (علیه السلام) تصریح به این نکته دارند:

"ولكن حيث إنه لا دليل على شيء منهما يمكن الاستناد إليه، فالأظهر أنها أمرٌ مستقلٌّ"^۴

مقدس اردبیلی نیز تصریح به این دارند که ادله دیدگاه های دیگر قیاس بوده و دارای حجیت نیست:

"ولى فيه تأمل، إذ لا ينبغي الحكم على إطلاقه بأنها كاليئنة أو كالإقرار و التفرع عليه، إذ لا دليل على شيء منه، بل بعض التعريفات كما رأيت، بل فى الحقيقة قولهم: (كاليئنة، أو كالإقرار) إجراء الفروع، و استتباعها بمجرد القياس و الاعتبار و المناسبة، فينبغى أن يقال أنه شيء برأسه"^۵

ملا احمد نراقی در مستند الشیعه^۶ چنین به بیان این دلیل میردازند:

"و الحق... عدم مستند مقبول يصح الاتكاء عليه لشيء من القولين، و اللازم إرجاع كل فرع فرع إلى الأصول و القواعد و اعتبار الأدلة فيها."^۷

آیت الله مجاهد نیز به سبب نیافتن دلیل مناسب و دارای حجیت فقهی دیدگاه استقلال ارزش یمین مردوده را

پذیرفته اند:

^۱ صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام (ط. القديمة)، جلد: ۴۰، صفحه: ۱۷۹

^۲ دیدگاه «تساوی معرفتی یمین مردوده با اقرار منکر»

^۳ میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، رسائل الميرزا القمي، جلد: ۲، صفحه: ۶۴۹

^۴ روحانی، محمد صادق، فقه الصادق، جلد ۳۸، صفحه: ۱۸۳

^۵ مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان جلد ۱۲ صفحه ۱۳۹

^۶ نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، جلد: ۱۷، صفحه: ۲۲۴

«... بالجملة لم اجد حجة معتبرة على شيء من القولين المذكورين كما نبه عليه في الكفاية بقوله بعد الاشارة الى القولين المذكورين و حجة الطرفين غير وافية بالدلالة على المطلوبة و ظاهره التوقف هنا كالرياض...»^۱

نقد و بررسی استناد به عدم وجود حجت برای ادله دو دیدگاه دیگر

پاسخ این اشکال این است

۱. ادله انحصار رد نشد بلکه تمامی شبهات و اشکالاتی که متوجه آن بود پاسخ داده شد
۲. به ادله دیدگاه استقلال ارزش یمین مردوده اشکال وارد شده و از نظر مصنف مقاله ادله آنان حجتی ندارد
۳. دیدگاه تساوی معرفتی یمین مردوده با بینه مدعی با تکیه بر نظر شیخ انصاری بدون خدشه‌ای به استدلال آن باقی مانده است.

نتیجه

در بحث دیدگاه «انحصار ادله» سه دلیل (روایت البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر، روایت انما اقضی بینکم بالبینات و الایمان و روایت احکام المسلمین علی ثلاثة) مطرح شد. به هر سه روایت اشکالاتی ناظر به دلالت آنها بر انحصار وارد شد که هر سه اشکال جواب داده شدند بنابراین دیدگاه «انحصار دیدگاه پذیرفته شد.

^۱ طباطبایی، محمد بن علی، المناهل، صفحه: ۷۲۸

دیدگاه «تساوی معرفتی یمین مردوده با بینه مدعی» نیز تحلیل شد. سه دلیل برای این دیدگاه طرح شد. دلیل اول،

یعنی صدور یمین مردوده از مدعی، خدشه‌ای به استدلال آن وارد شد و در نتیجه، مدلول روایات و ادله کاملاً

خلاف مدعای دلیل بود. دلیل دوم، یعنی دلیل نفی نظریه تساوی معرفتی یمین مردوده با اقرار منکر، بدون اشکال

باقی ماند و پذیرفته شد. دلیل سوم هم روایت فضیل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) بود. دلیل سوم، با فرض

پذیرش سندی آن، از جهت دلالت دچار اشکال بود و صلاحیت دلالت بر دیدگاه مذکور را نداشت.

دیدگاه تساوی معرفتی یمین مردوده با اقرار منکر، نیز دارای دو دلیل، یعنی رضایت منکر به عدم نجاج در دعوی

و دلیل انحصار حق قسم در منکر بود. هر دو دلیل دچار اشکالاتی بودند. به علاوه اشکال اساسی ناظر به ماهیت

اقرار نیز مطرح بود که در نتیجه باعث عدم حجیت نظر شد.

دیدگاه سوم یعنی اعتبار معرفتی مستقل یمین مردوده، مبتنی بر رد دو دیدگاه دیگر و نبود حجیت در ادله آنان

بود. اشکالات وارده از سوی طرفداران این دیدگاه در این مقاله پاسخ داده شد و دلیل دوم آنان، یعنی نبود دلیل

برای دیدگاه‌های دیگر، با دلیل شیخ انصاری بر تایید دیدگاه اول نقض شد. بر این اساس، نتیجه این مقاله اثبات

«انحصار ادله» و اثبات دیدگاه «تساوی اعتباری یمین مردوده با بینه مدعی» است.

منابع

۱. اسماعیل پور قمشه ای، محمد علی. مصحح مصطفی عظیمی.، البراهین الواضحات، ۱۴۲۱ ه.ق.، ایران -، المطبعة العلمية
۲. گلپایگانی، محمدرضا. محرر علی حسینی میلانی.، القضاء و الشهادات (گلپایگانی)، ۱۴۲۶ ه.ق.، قم - ایران، السيد علی الحسيني الميلاني
۳. طباطبایی، محمد بن علی.، المناهل، قم - ایران، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث
۴. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر. محقق و معلق محمود قوچانی، و علی آخوندی، و عباس قوچانی، و رضا استادی. مصحح ابراهیم میانجی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی.، جواهر الکلام (ط. القديمة)، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربي
۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. محقق دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (شعبه خراسان)، و عباس تبریزیان.، رسائل الميرزا القمي، ۱۳۸۵ ه.ش.، قم - ایران، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
۶. طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی.، ریاض المسائل (ط. القديمة)، ۱۴۰۴ ه.ق.، قم - ایران، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث
۷. عراقی، ضیاء الدین. مصحح محمد هادی معرفت. نویسنده حسن بن یوسف علامه حلی.، شرح تبصرة المتعلمين (القضاء) (شرح تبصرة المتعلمين (القضاء))، قم - ایران، مطبعة مهر
۸. روحانی، محمد صادق. گردآورنده جمع من الفضلاء.، ۱۴۳۵ ه.ق.، فقه الصادق، قم - ایران، آیین دانش،

٩. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. مصحح حسین یزدی، و مجتبی عراقی، و علی پناه اشتهااردی. نویسنده حسن بن یوسف علامه حلی. ، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم - ایران، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي،
١٠. نراقی، احمد بن محمد مهدی. محقق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث. ، مستند الشيعة فی أحكام الشريعة، ، ١٤١٥ ه.ق.، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث
١١. حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد. نویسنده حسن بن یوسف علامه حلی. ، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط. القديمة)، ، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی
١٢. مقتدائی، مرتضی. نویسنده خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران. ، مفتاح الهدایة فی شرح تحریر الوسیلة، ، تهران - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). مؤسسه چاپ و نشر عروج
١٣. سبحانی تبریزی، جعفر. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی. ، نظام القضاء و الشهادة فی الشريعة الإسلامية الغراء، ، ١٤١٨ ه.ق.، قم - ایران، مؤسسه امام صادق علیه السلام
١٤. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. محقق ضیاءالدين علامه. مصحح کمال فقیه ایمانی. ، الوافی، ، ١٤٠٦ ه.ق.، اصفهان - ایران، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (عليه السلام) العامة
١٥. فخرالمحققین، محمد بن حسن. اهتمام محمد حسین کوشان پور. مصحح عبد الرحيم بروجردی، و حسین موسوی کرمانی، و علی پناه اشتهااردی. نویسنده حسن بن یوسف علامه حلی. ، إيضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد، ١٣٨٧ ه.ق.، قم - ایران، اسماعیلیان

١٦. علامه حلى، حسن بن يوسف. محقق ابراهيم بهادري، و جعفر سبحانى تبريزى. ، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، ، ١٤٢٠ ه.ق.، قم - إيران، مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام
١٧. علامه حلى، حسن بن يوسف. مصحح جامعه مدرسين حوزه علميه قم. دفتر انتشارات اسلامى. ، قواعد الأحكام، ، ١٤١٣ ه.ق.، قم - إيران، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامى
١٨. اعرجى، عبد المطلب بن محمد. محقق جامعه مدرسين حوزه علميه قم. دفتر انتشارات اسلامى. ، كنز الفوائد فى حل مشكلات القواعد، ١٤١٦ ه.ق.، قم - إيران، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامى
١٩. شهيد ثانى، زين الدين بن على. محقق مؤسسة المعارف الإسلاميه. نويسنده جعفر بن حسن محقق حلى. ، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ، ١٤١٣ ه.ق.، قم - إيران، مؤسسة المعارف الإسلاميه
٢٠. شهيد ثانى، زين الدين بن على. محقق محمد كلانتر. نويسنده محمد بن مكى شهيد اول. ، الروضة البهيه فى شرح اللمعة الدمشقيه (١٠ جلدى)، ١٤١٠ ه.ق.، قم - إيران، مكتبة الداورى
٢١. نجم آبادى، محمد بن ابراهيم. موسسه آيه الله العظمى بروجردى رحمه الله نشر معارف اهل بيت عليهم السلام. ، القضاء (نجم آبادى)، ١٣٩٣ ه.ش.، قم - إيران، نشر روضة العباس عليه السلام
٢٢. محقق كركى، على بن حسين. محقق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاهياء التراث. نويسنده حسن بن يوسف علامه حلى. ، جامع المقاصد فى شرح القواعد، ١٤١٤ ه.ق.، قم - إيران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لاهياء التراث
٢٣. شهيد اول، محمد بن مكى. مجموعه من المحققين، و على اوسط ناطقى، و دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى. مركز احياى آثار اسلامى. نويسنده رضا مختارى. ،

موسوعة الشهيد الأول، ، ١٤٣٠ هـ.ق.، قم - إيران، مكتب الاعلام الاسلامى فى الحوزة العلمية. قم المقدسة.

معاونية الابحاث. مركز العلوم و الثقافة الاسلامية

٢٤. آشتياني، محمدحسن بن جعفر. مصحح على غضنفرى، و على اكبر زمانى نژاد. ، كتاب القضاء

(آشتياني)، ، ١٣٨٣ هـ.ش.، قم - ايران، زهير

٢٥. رشتى، حبيب الله بن محمد على. محقق احمد حسينى اشكورى. ، كتاب القضاء (رشتى)، ، ١٤٠١

ه.ق.، قم - ايران، دار القرآن الكريم

٢٦. حر عاملى، محمد بن حسن. محقق محمد رضا حسينى جلالى. تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل

مسائل الشريعة، ١٤١٦ هـ.ق.، قم-ايران، موسسه آل البيت (عليهم السلام) لاهياء التراث

٢٧. طوسى، محمد بن حسن. محقق حسن خرسان، تهذيب الاحكام. ١٣٦٥ هـ.ش، تهران-ايران، دارالكتب

الاسلامية